سال بیست و دوم ■ شماره ۶۲۹۹
سه‌شنبه ■ ۹ شهریور ۱۳۹۵

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

editorial@iran-newspaper.com

مدیرمسئول: محمد فاضلی
سردبیر: داوود محمدی
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران ـ خیابان خرمشهر ـ شماره ۲۰۸ صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین (آبونمان): ۴۲۱۶۲۰۲۰ پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ – روابط عمومی
چاپ: افست، بانک ملی چاپ همزمان اصفهان (رسانه برتر)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران ـ خیابان خرمشهر ـ شماره ۱۶ تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱ پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
مؤسسه شهرستانها و توزیع: ۴۲۱۶۲۰۲۰
میثاقنامه اخلاق روزنامه‌نگاران ایران: www.ion.ir/news/19949.html

سخن روز

امام صادق (ع):
خوشرویی موجب جلب دوستی‌ها می‌شود و نجات و رستگاری می‌آورد.
(اصول کافی، جلد سوم، صفحه ۱۶۲)

مکاشفه

پیمان مقدم

واقعاً مشکل این مملکت فقط فیلم فروشنده است؟

دلواپسان عزیز شروع کرده‌اند به هجوم و تخریب فیلم فروشنده ساخته اصغر فرهادی. همان که در جشنواره کن کولاک کرد و جایزه برد. اولش گیر داده بودند که وزارت ارشاد بدون ممیزی حق ندارد این فیلم را اکران کند. بعد گیر دادند که چرا بلیتش گران است. لابد بهتر می‌دانید که تازگی‌ها ادبیات‌شان کل یوم دستوری است، امر و نهی است. یعنی این هم فقط در کشور ما می‌تواند رخ دهد که اقلیتی به دولت اکثریت یک نفس دستور بدهد. این کار را بکن، آن کار را نکن، با کری دست نده، به موگرینی نخند، به شجریان مجوز نده، کنسرت را لغو کن، دولت‌آبادی را محو کن، یارانه را حذف نکن، مسکن مهر را تمام کن...

حالا هم گیر داده‌اند که کلاً فروشنده مروج فیلان است و بهمان است و اساساً نباید اکران شود. همان‌طور که قبلاً درباره کنسرت‌ها فرموده بودند که خلاف اخلاق است و بانی لهو و لعب است.

نکته اول اینکه دوستان ظاهراً خاندان وزیر محترم ارشاد را از یاد برده‌اند. به هر حال درست است که ایشان وزیر دولت اعتدال هستند و با رئیس مجمع تشخیص مصلحت هم روابط خوبی دارند اما نسبت فامیلی ایشان را بار دیگر به خاطر بیاورید. فرزند ناخلف لقمان حکیم نیستند که با بدانی همچون ما خبرنگاران زنجیره‌ای بنشینند و دچار دگردیسی فرهنگی شوند. جناب علی جنتی هستند و قطعاً حواس‌شان به همه چیز هست، مراقبند...

در ثانی مگر خود شما عزیزان نفرموده بودید که کشور این همه مشکل و دردسر و بحران‌های حل نشده دارد. تورم کمرشکن و بیکاری دارد. مصائب اقتصادی و گره‌های اجتماعی دارد. رکود دارد. اعتیاد و افسردگی و سن بالای ازدواج دارد. خب؟ حالا تمام مشکلات کشور حل شده و فقط مانده فیلم فروشنده؟

بی‌خیال عزیزان؛ این همه سوژه برای دلواپسی هست. تحریم‌های عزیز شما که معتقدید هنوز لغو نشده‌اند. ال سی که می‌فرمایید هنوز باز نشده. انتقال پول که این همه دلواپسش بودید. قراردادهای نفتی، برجام و جاسوس هسته‌ای. حالا یک فیلم فروشنده اکران بشود یا نشود به کجا برمی خورد؟ چند درصد ناراحت یا خوشحال می‌شوند؟ مگر چند نفر فروشنده را می‌بینند که آنقدر برای شما مهم است. مهم‌تر از بیکاری و تورم و تحریم است؟ راستی داشت یادمان می‌رفت: از سوئیفت چه خبر؟

کیوسک

کارنامه ۴۰ ساله در «شهر کتاب»

تازه‌ترین شماره ماهنامه «شهر کتاب» به مدیرمسئولی مهدی فیروزان و سردبیری حسین فراستخواه، با پرونده ویژه‌ای برای کارنامه ۴۰ ساله عباس کیارستمی منتشر شد. مرور عمادالدین باقی بر شرح نهج‌البلاغه، مرور جواد مجابی بر تاریخ ۹۰ ساله هنرهای تجسمی مدرن ایران، گفت‌وگوی اختصاصی با پیتر هوگو عکاس آفریقایی، خاطراتی از کار و زندگی با پوری سلطانی، مروری بر کتاب تاریخ شفاهی آموزش عالی ایران به روایت دکتر مصطفی معین و... تعدادی از مقالات و مطالب چاپ شده در این شماره از مجله هستند. شماره ۱۱ مجله شهر کتاب، در ۱۶۰ صفحه و به قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر شده است.

خبر آخر

«سیدمحمد یونس جعفری»
صبح دیروز در دهلی نو درگذشت

بدرود با صائب شناس هندی

حمیدرضا محمدی/ «سید محمد یونس جعفری»، استاد بازنشسته زبان فارسی کالج ذاکرحسین دهلی در هند که در تصحیح متون فارسی بسیار پرکار بود، ساعت ۶ صبح دوشنبه ۸ شهریور، در ۸۶ سالگی در بیمارستان آپولو شهر دهلی نو پایتخت هند درگذشت. او که از مفاخر زبان فارسی معاصر در شبه قاره هند بود، در بیدل شناسی، تخصصی شگرف داشت. جعفری فهرست اسناد فارسی آرشیو ملی هند را فراهم آورده که هنوز چاپ نشده است. از این ایران شناس هندی، در ایران، به سال ۱۳۸۹، کتاب «صائب تبریزی» از سوی بنیاد موقوفات افشار در ۳۹۶ صفحه منتشر شد و کتاب «پادشاه نامه» کلیم کاشانی، توسط رایزن فرهنگی ایران در هند، در آستانه انتشار است که او بر پایه ۳ نسخه ایران، ترکیه و بریتانیا، تصحیح و مقابله کرده است.

سه‌شنبه بازار فرهنگ

■ **نشست «بررسی ارتباط ادبیات کهن فارسی با داستان‌نویسی امروز»**
نشست «بررسی ارتباط ادبیات کهن فارسی با داستان‌نویسی امروز»، با حضور حسن میرعابدینی، محمد جعفری قنواتی و مجید قیصری امروز ساعت ۱۷ در کتابخانه فرهنگسرای گلستان برگزار می‌شود.

■ **نشست بررسی ابعاد رسانه‌ای المپیک ریو ۲۰۱۶**
بررسی ابعاد رسانه‌ای المپیک ریو ۲۰۱۶ امروز ساعت ۱۷ در فرهنگسرای رسانه و شبکه‌های اجتماعی برگزار می‌شود.

■ **نشست «تبارشناسی ادبیات معاصر»**
نشست هفتگی شهر کتاب، امروز ساعت ۱۶:۳۰ به تحلیل تبارشناسی ادبیات معاصر اختصاص دارد که با سخنرانی عیسی امن‌خانی - استاد دانشگاه گلستان - در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار می‌شود.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۳۶	۳۶	۳۲	۴۹	۴۲	۳۷	۳۶	۳۲
۲۲	۲۴	۱۸	۳۰	۲۷	۲۳	۲۰	۲۱

[قزوین، دروازه تهران / سال ۱۳۳۲]

عکس‌نوشت

محمدعلی اینانلو

یادداشت منتشرنشده‌ای از طبیعت‌گرد فقید درباره نهم شهریور؛ «روز ملی قزوین»

تاریخ و طبیعت شگفت اما در حاشیه نام پایتخت

همین ابتدا اعتراف کنم که من اصالتاً «قزوین»ی نیستم؛ اگرچه در روستای حشمت آباد از توابع بوئین زهرا به‌دنیا آمدم اما ریشه من به ایل شاهسون در دشت مُغان و کوهپایه‌های سبلان برمی گردد. ولی در عصر صفوی و بعد قاجار و به شکل شدیدتر در دوره پهلوی اول به سبب سیاست‌های اسکان عشایر، اجدادم به این منطقه که در آنجا متولد شدم، کوچانده شدند.

قزوین از آن زمان که شروع به گشتن و دیدن ایران کردم، همیشه یک نقطه عطف به حساب می‌آمد؛ پس دوباره به قزوین برگشتم اما این بار نه جسمی، بلکه روحی و فکری. قزوین منطقه شگفت‌انگیزی است و طبیعتش حیرت‌آور است؛ هم در آنجا می‌توان دشت (قزوین) دید و هم کوهستان (الموت)، هم در کوهپایه‌هایش دریاچه (اُوان) به چشم می‌خورد و هم اقلیم نیمه جنگلی‌اش (معلم کلایه)، روح را نوازش می‌دهد. اما این منطقه، علاوه بر طبیعت، تاریخ عجیبی هم دارد. چه کسانی که از غرب به شرق می‌آمدند و چه از شرق به غرب می‌رفتند، اعم از ایرانی و فرنگی و حمله‌کننده و دفاع کننده، به نوعی قزوین محل عبورشان بوده است. به همین جهت هم هست که فرهنگ‌های زیادی در آن ادغام شده‌اند. از تات‌ها که کتاب «تات نشین‌های بلوک زهرا»اثر جلال آل احمد نشانه آن است تا شاهسون‌ها که ما نیز از آنها هستیم. حتی جالب است بدانید که خودِ قزوینی‌های اصیل هم از آن این منطقه نیستند. آنها اقوام «کاسی» هستند که به همراه «پین»ها، حاشیه نشین‌های دریای مازندران بودند که پین‌ها به کاشان رفتند - و نام باغ فین هم از آنجا آمده - و کاسی‌ها که به قزوین آمدند و نام قزوین هم، همان کاسپین است.

اما حالا به شهر قزوین برسیم. این شهر داشته‌های تاریخی سالمی دارد. ذکر این نکته از آن جهت اهمیت دارد که وقتی مثلاً به منطقه سگزآباد قزوین بروید، تنها با تپه‌هایی روبه‌رو می‌شوید که گفته می‌شود از سکونتگاه‌های نخستین ساکنان ایران بوده است اما هیچ نشانه مشخصی - جز برای باستان‌شناسان - نخواهید یافت. اما آثار تاریخی این شهر، با وجود مرمت‌هایی که صورت گرفته عموماً، قابل تماشا هستند و این به گردشگر، لذت لمس ابنیه تاریخی را می‌دهد. این شهر که سابقه پیش از اسلام دارد، در دوره صفویه و توسط شاه طهماسب، به پایتختی برگزیده شد که اتفاقاً روز نهم شهریور هم درست همین روز است که روز ملی قزوین نامیده شده و عمارت کلاه فرنگی یادگار آن دوران است. البته نباید از ساختمان شهرداری و بازار و مسجد جامع آن گذشت. افزون بر اینها، حمام‌ها و آب انبارهایی دارد که به سبب بانیان متمول شان، - بویژه درباره آب انبارها - باشکوه ساخته شده‌اند. با وجود این، قزوین نیز مانند دیگر شهرهای نزدیک به شهرهای کلان، همیشه در سایه تهران - و البته از آن روزگار که پایتخت ایران شده - بوده است. اما قزوین باوجود تاریخ طولانی اش، تنها از آن زمان که استان مستقلی شد، توانست پا بگیرد و از نامش یاد شد. ولی هنوز قزوین از نظر اقتصادی و فرهنگی از تهران، طلب‌هایی دارد.

یادداشت

رضا دبیری‌نژاد
کارشناس موزه‌داری

عکس: پیمان سمندری

[بیمارستان رسول اکرم تهران]

نگاهی به نمایشگاه سیار موزه ملک در بیمارستان‌ها

تماشا در شفاخانه

آنچه همیشه از بیمارستان تصور داریم تصور ناخوشایندی است چراکه همیشه با درد یا همراه دردمندی به بیمارستان می‌رویم. بیمارستان برابر می‌شود با نگرانی و درد، از همین رو احساسی که بیمارستان به ما می‌دهد احساسی دور از آرامش است. هرقدر بیمارستان‌ها بکوشند که رنگ را با درها و لباس فرم کارکنان‌شان به آنجا بکشانند اما باز احساس ناشی از بیمارستان، سرد و خاکستری است. از سوی دیگر موزه‌ها سرشار از نقش و خیال و رنگ هستند و در میان این نقش‌ها و خیال‌ها، قصه‌ها و خاطراتی موج می‌زند. اینگونه است که موزه و بیمارستان در فاصله‌ای دور از هم قرار می‌گیرند. وقتی این دو با هم پیوند می‌خورند پیوندی شکل می‌گیرد که نتیجه‌اش دگرگونی فضاها و کارکردهای عادت شده است. برگزاری نمایشگاه‌های سیار موزه ملک در برخی بیمارستان‌های تهران فرصتی بود برای ایجاد چنین فضایی. وقتی که برای برگزاری چنین برنامه‌ای به بیمارستان‌های مختلف درخواست داده شد کمتر پاسخ مثبتی داده شد و عمدتاً تمایل به انجام همکاری نداشتند و تنها هفت بیمارستان حاضر شدند گام در چنین تجربه‌ای بگذارند. این طرح از آغاز دودسته مخاطبین را هدف خود قرار داده بود؛ دسته نخست بیمارانی که باید در بیمارستان بمانند و دسته دوم همراهان بیماران یا ملاقات‌کنندگان که باید ساعتی را در بیمارستان سپری کنند. این نمایشگاه‌ها در تلاش بود که دو موضوع را در معرض دید مخاطبان هدف خود قرار دهد. نمایش زیبایی می‌تواند در خودش لذت و امید را داشته باشد و هر دو چیزی است که دچار شدگان بیمارستان دچار کمبود آن شده‌اند و حالا نمایشگاه‌هایی از موزه‌ای به بیمارستان‌ها رفته‌اند تا این دو را به دچار شدگان ارزانی کنند. وقتی این نمایشگاه‌ها برده شد برخی بیمارستان‌ها تصوری از آنچه اتفاق می‌افتد نداشتند و با دیده شک مواجه شدند. نخستین استقبال از نیروهای غیرمتخصص بیمارستان‌ها انجام شد. آنها که با سختی روبه‌رو هستند و حالا در میانه سختی‌ها با جهانی متنوع روبه‌رو شده بودند که برایشان جذاب شده بود. در یکی از بیمارستان‌ها شبانگاهان که بیمارستان کمی خلوت و آرام می‌شد بیماران سرطانی به گشت و تماشا در میان تابلوها می‌آمدند. حالا فرصتی ایجاد شده است که هر کس به‌تناسبِ شرایط و علایق خود مواجهه و بهره‌ای از آن دارد. اینگونه است که رفتن موزه به بیمارستان می‌تواند زمینه‌ای برای پیوند با احوالات جامعه و پاسخ به نیازهای اقشار مختلف باشد. دیگر موزه منتظر نمی‌ماند تا مردم به سراغش بیایند و روایتی تخصصی از آن بخوانند بلکه موزه است که به سراغ جامعه می‌رود و تلاش می‌کند تا فرصتی برای خوب شدن حال جامعه فراهم سازد. شاید این، یکی از راه‌های اجتماعی شدن موزه باشد.

نگاه

غلامحسین صدری‌افشار
فرهنگنویس

درباره «دانشنامه زبان و ادب فارسی»

تلاشی بزرگ برای اثری ماندگار

از رویدادهای خجسته در دهه‌های اخیر توجه جامعه فرهنگی ایران به تألیف و نشر آثار مرجع بوده است، از قبیل واژه‌نامه‌ها، فرهنگ‌ها، دانشنامه‌ها و اطلس‌ها. اینگونه آثار به اهل تحقیق کمک می‌کنند تا آگاهی‌های اولیه و اساسی را در مورد موضوع دلخواهشان به‌دست آورند و از آن راه بتوانند به منابع اطلاعاتی بیشتری دست‌یابند.

کاری که شادروان همایون صنعتی‌زاده (۱۳۸۱-۱۳۰۴) به قصد ترجمه دایرةالمعارف کلمبیا آغاز کرد و بر اثر هوشمندی، میهن‌دوستی، سواد و ابتکار شادروان دکتر غلامحسین مصاحب (۱۳۵۸-۱۲۸۹) به تألیف دایرةالمعارف فارسی انجامید، نخستین گام مهم در دانشنامه‌نگاری جدید به زبان فارسی بود، که در پی آن تألیف و نشر دانشنامه ایران و اسلام به سرپرستی دکتر احسان یارشاطر آغاز شد و در جمهوری اسلامی به صورت دانشنامه جهان اسلام ادامه یافت. هم‌اکنون بیش از ۳۰ دانشنامه عمومی و اختصاصی منتشر شده یا در حال انتشار است. از رویدادهای مهم فرهنگی امسال انتشار ششمین و آخرین جلد دانشنامه زبان و ادب فارسی است. این اثر گرانسنگ، که انتشار جلد اولش در سال ۱۳۸۴ از سوی فرهنگستان زبان و ادب فارسی آغاز شد، خوشبختانه امسال به سرانجام رسید. البته آغاز تدوین دانشنامه در سال ۱۳۷۹ بود و می‌توان گفت گروهی از اهل تحقیق مدت ۱۶ سال بر سر آن کار کرده‌اند. دانشنامه زبان و ادب فارسی حاوی زندگینامه شاعران و نویسندگان، آثار برجسته ادب فارسی، توصیف صنایع ادبی، مباحث دستوری، شخصیت‌های اساطیری و داستانی، سبک‌ها و جریان‌های ادبی است.

سرپرستی این کار بزرگ را نویسنده و مترجم توانا و عضو پیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی استاد اسماعیل سعادت برعهده داشت. کسانی که با کار نشر، بویژه در زمینه آثار مرجع سروکار دارند، می‌دانند انتخاب مدخل، یافتن مؤلف و ویراستار با صلاحیت، بررسی صحت و سقم مطالب و ایجاد هماهنگی و توازن میان مقالات تا چه حد دشوار است. چون همیشه سرپرست یا سرویراستار یک اثر مرجع ممکن است در معرض این اعتراض قرار گیرد که چرا فلان مدخل نیست، یا فلان مدخل بیش از حد مشروح یا مختصر است.

همان‌گونه که استاد سعادت در مقدمه دانشنامه یادآور شده است، این دانشنامه «مختصر، اختصاصی، الفبایی و مبتنی بر نظام ارجاعی است.... با این همه، بسیاری از مقالات آن را، به‌حکم آنکه اختصاصاً مربوط به زبان و ادب فارسی است، در هیچ دانشنامه دیگر به تفصیلی که در این دانشنامه به آنها پرداخته می‌شود نمی‌توان یافت.... مدخل‌هایی مانند ادبیات تطبیقی، ادبیات داستانی، ادبیات عرفانی، ادبیات معاصر ایران، ادبیات نمایشی، ادبیات کودک و نوجوان.... مقالات اینگونه مدخل‌ها عموماً به قلم مؤلفانی که به تخصص در موضوع آنها شهرت دارند تألیف شده است.» (جلد اول صفحه ۱۷).

شاید عرضه فهرستی از جلدهای شش‌گانه این دانشنامه بتواند تصویری از ماهیت و دامنه این اثر ارائه دهد.

جلد اول آ- برزویه ۷۶۰ صفحه ۴۰۰ مقاله
جلد دوم برندق خجندی- حیرتی تونی ۷۶۷ صفحه ۳۶۲ مقاله
جلد سوم خارزنجی- سنایی غزنوی ۷۵۲ صفحه ۳۱۳ مقاله
جلد چهارم سندبادنامه- فردوسی ۸۳۰ صفحه ۳۴۳ مقاله
جلد پنجم فردوسی ثانی- مسرور طالقانی ۸۶۰ صفحه ۳۳۷ مقاله
جلد ششم مسعود، محمد- یونس ۸۶۰ صفحه ۳۲۲ مقاله

یعنی ۷۹/۲ مقاله در ۴۸۲۹ صفحه در قطع رحلی.

حقیقت این است که تألیف و نشر فرهنگ، واژه‌نامه، دانشنامه و شیوه‌نامه خط فارسی از کارهای شایسته و درحکم وظایف فرهنگستان زبان و ادب فارسی است و فرهنگستان با عرضه آثار سودمند می‌تواند مرجعیت خود را تثبیت کند و این نهاد را به‌عنوان مرجع رسمی به جامعه فرهنگی فارسی‌زبان بشناساند.

جا دارد تألیف و نشر دانشنامه زبان و ادب فارسی را به استاد اسماعیل سعادت و همکارانش و به فرهنگستان زبان و ادب فارسی تبریک بگوییم و به ادامه انتشار چنین آثاری امیدوار باشیم.

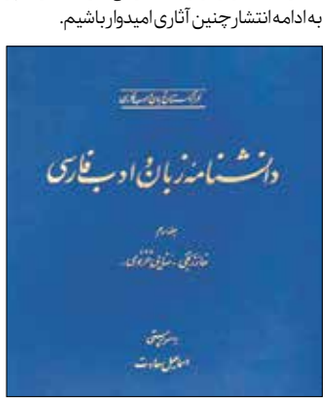

نگاره

فیروزه مظفری

فائو اعلام کرد
معادل غذای ۱۵ میلیون نفر انسان گرسنه در دنیا دور ریخته می‌شود

عدد

۶۰۰ متقاضی برای حضور در نمایشگاه مطبوعات

با پایان یافتن مهلت پیش ثبت‌نام نمایشگاه مطبوعات در پایان روز شنبه ۶ شهریورماه، ثبت‌نام اولیه ۵۴۲ رسانه و ۵۶ متقاضی در بخش سایر تأیید شد. ۲۰ خبرگزاری، ۹۹ پایگاه خبری اینترنتی، ۵۰ روزنامه، ۱۴ مؤسسه مطبوعاتی (۶۳ رسانه)، ۷۸ هفته‌نامه، ۴۰ دوهفته نامه، ۱۲۲ ماهنامه، ۲۳ دوماهنامه، ۴۷ فصلنامه و... از جمله رسانه‌هایی هستند که روند پیش ثبت‌نام آنها به تأیید رسیده است.

۱۹۵ دقیقه «سکوت» مارتین اسکورسیزی

فیلم «سکوت» جدیدترین اثر مارتین اسکورسیزی در ۳ ساعت (۱۹۵ دقیقه) ساخته می‌شود. این فیلم بلندترین فیلم این کارگردان تاکنون خواهد شد. «سکوت» بر مبنای رمانی به همین نام نوشته یک نویسنده ژاپنی به نام شوساکو انو ساخته می‌شود که بر مُبلّغی مسیحی تمرکز دارد که در قرن هفدهم و در دوران کاکوری کرشیتان (مسیحیان پنهان) به ژاپن فرستاده می‌شود اما گرفتار می‌آید و دچار شکنجه می‌شود.

جهان نویسندگان

آرش نقیبیان
منتقد ادبی

وجدانِ بیدار

درباره «اشتفان تسوایگ»

اشتفان تسوایگ (Stefan Zweig) رمان نویس و زندگینامه نویس برجسته اتریشی وجدان بیدار و فرزند راستین عصر خود بود. نسل او شاهد حادثه‌های بسیار و مصائب فراوانی بود که بشریت تا قبل از آن، کمتر به خود دیده بود. تسوایگ در سال ۱۸۸۱ از خانواده‌ای ثروتمند در شهر وین زاده شد. در جوانی به دنبال ذوق و استعدادش، برای تحصیل در رشته ادبیات و فلسفه رفت. محیط روشنفکری اتریش و ارتباط مداوم آن با جهان، شوق آشنایی با دنیای پهناور را در او برانگیخت. اشتفان تسوایگ در همه عمر چون مسافری خستگی‌ناپذیر به جهانگردی پرداخت و چندین بار سراسر اروپا را پشت سرگذاشت و علاوه بر آشنایی با کشورها، زبان‌های گوناگون را فراگرفت. او قبل از روی آوردن به نویسندگی، مترجمی توانا بود و اشعار بودلر، ورلن و رمبو را به آلمانی ترجمه کرد. تسوایگ کار خلاقانه ادبی خود را با شعر آغاز کرد. در آن سال‌ها تحت نفوذ راینر ماریا ریلکه، چند منظومه غنایی سرود. اشتیاق دیگر او به تئاتر بود که در سال‌های آغازین قرن بیستم در اروپا، حرف اول را می‌زد و عموم روشنفکران کار خود را با این هنر والا آغاز می‌کردند. در سال ۱۹۱۸ نمایشنامه‌ای با نام (خانه کنار دریا) نوشت و به صحنه آورد و چند سال بعد اقتباسی از نمایشنامه (ولپن) بن جانسون را به صحنه برد که با استقبال بسیاری روبه‌رو شد. آثار آغازین تسوایگ بشدت تحت نفوذ روانکاو هموطنش، زیگموند فروید، و کشفیاتش در هزارتوی روان آدمی بود. کتاب (آموک) که در ۱۹۲۲ به چاپ رسید سرگذشت پزشکی آلمانی است که بر اثر سرخوردگی در عشق به هند شرقی سفر می‌کند. طبیعت استوایی و مصاحبت چند کارمند ملال انگیز او را به عزلت و افسردگی می‌کشاند. در داستان آموک روانکاوی فرویدی به بهترین شکل ممکن در غالب ادبیات تجلی کرده است. تسوایگ در داستان‌های خویش همواره کوشش کرده است که نقاب از چهره و انگیزه‌های ظاهری انسان‌ها کنار بزند و تأثیر عظیم غرایز مخرب و جنسیت را به خوانندگان نشان دهد. اشتفان تسوایگ در نگارش زندگینامه‌ها و مقالات ادبی خود روش دیگری را برگزید که نقطه عکس نقد ادبی مدرن است و آن همانا کنجکاوی و ریزکاوی در زندگینامه‌های شخصی پرسوناژهای ادبی و تاریخی است برای دریافت انگیزه‌ها و اعمال آنان. برای مثال می‌توان به کتاب (سه استاد سخن) اشاره کرد که به زندگی بالزاک، دیکنز و داستایفسکی می‌پردازد یا کتاب دیگر او (پیکار با دیو) که به زندگی و آثار سه ادیب برجسته آلمانی هولدرلین، کلایست و نیچه می‌پردازد که سرنوشتی کمابیش یکسان و غم انگیز داشتند. همان طور که اشاره شد تسوایگ بنای کار را بر اساس زندگینامه قهرمانانش می‌گذاشت تا تفسیری خاص و قطعی از آثار آنها به دست دهد. لحن نگارش و نثر او در زندگینامه‌ها و آثار آکادمیکش بسیار پرطمطراق و ادیبانه است و این درست نقطه عکس و خلاف آثار ادبی و داستانی او است که روایتی عموماً ساده و جذاب به دست می‌دهد و خوانندگانش را با کششی فوق‌العاده به دنبال می‌کشاند. یکی از بهترین داستان‌های تسوایگ که در اوج خلاقیت ادبی او نوشته شده و به تعبیر باگنر تراویک منتقد ادبی، چکیده نبوغ این نویسنده در داستان‌نویسی را در خود دارد (بیست و چهار ساعت از زندگی یک زن) است که بیشتر از تمامی آثار تسوایگ به زبان‌های مختلف ترجمه و خوانده شده است و امروز نیز با اینکه چند دهه از نگارش آن گذشته است، همچنان خواندنی و تأمل برانگیز است. نویسنده در این داستان با نگاهی دقیق و قلمی شیوا پنهانی‌ترین انگیزه‌های زنان یعنی میل به حمایت و فرزند پروری را ژرف کاوی می‌کند. اشتفان تسوایگ در سال ۱۹۲۴ اتریش را ترک کرد و در لندن مستقر شد. پس از آن به امریکا رفت و چند سالی در نیویورک زندگی کرد. در اوت ۱۹۴۱ مصمم شد که در برزیل اقامت کند. در این کشور بود که از پیروزی‌های هیتلر و آینده تاریک اروپا سرخورده شد و به اتفاق همسرش خودکشی کرد، چرا که در رؤیاهایش همواره جهانی سرشار از صلح و مهربانی را می‌دید و آرزو می‌کرد. آثار تسوایگ در سال‌های دهه چهل و پنجاه خورشیدی با استقبال فراوان خوانندگان فارسی زبان روبه‌رو شد اما بعدها این استقبال و علاقه فروکش کرد و تسوایگ و کتاب‌هایش برای چند دهه به محاق فراموشی سپرده شد که دلیل آن را باید در جامعه شناسی ذوق ادبی مخاطبان ایرانی جست‌وجو کرد.

ایران ما

رضا سلیمان‌نوری

سلطان برزکوه؛ مقبره‌ای در ارتفاع ۲۳۰۰ متری تالشان

بقعه سلطان برزکوه یکی از بناهای مذهبی منطقه تالش است. این بنا که بر بالای قله ۲۳۰۰ متری برزکوه شهر پره سر واقع در ۱۷ کیلومتری شهرستان رضوانشهر قرار گرفته هر ساله میزبان تعداد قابل توجهی از مردمان اهل سنت نقاط مختلف کشور است که برای زیارت سید جلال‌الدین معروف به سلطان برزکوه به این نقطه از کشور سفر می‌کنند. بنای این بقعه از سه اتاق بسیار کوچک و محقر و با حیاطی تنگ و باریک تشکیل شده که به وسیله دیواری سنگی بر قله کوه محصور شده است. بافت این بنا ساده اما قدیمی است و مصالح به‌کار رفته در آن سنگ و گل است. کارشناسان محلی مقبره اصلی که بزرگتر است را از آن سید جلال‌الدین نامی می‌دانند که بر اسلاس اطلاعات موجود از عرفای نقشبندی عهد صفوی بوده است. البته مقبره دیگری نیز در این مجموعه قرار دارد که مدفن شیخ جنید خدمتکار، سید فیروزه مادر و پهلوان برزونام سردار یا غلام سید جلال‌الدین است.